

نظر به شهرت عالمگیر حافظ، این نادره‌کار بزرگ فرهنگ ایرانزمین، در فرهنگ جهانی، از جمله در آثار سترگ ادبی، حکمی و هنری نویسندگان و شاعران بزرگ شرق و غرب عالم، مقالات این دفتر به موضوع حافظ و فرهنگ جهانی، و به ویژه تأثیر ژرف و نقش کلان و جریانساز او در ادبیات غرب اختصاص یافته است. در گفتگو با استاد دکتر فتحالله مجتبائی، به موضوع سیر تکامل فکری اقبال لاهوری، مواجهه او با عرفان ایرانی - اسلامی و شعر فارسی و خاصه مواجهه او با حافظ پرداخته‌ایم. به گفته استاد مجتبائی، اقبال با آنکه در سنت عرفان اسلامی پرورش یافته بود، پس از تحولات فکری و به قصد همساز کردن موارث فکری و فرهنگی اسلامی با آراء و نظریات متفکران مغرب زمین به نزاعی سخت با این سنت برخاست و به همین دلیل، شعر عرفانی فارسی را در سروده‌های اردو و فارسی خود مردود شمرد و در این بین، به‌ویژه سخت بر حافظ تاخت. همان طور که در این گفتگو میخوانیم، زبان تند و آتشین اقبال علیه حافظ، طبعاً درسخوانده و فارسی‌دان جامع مسلمان هند را برآشت، چنانکه به تدریج نگاه اقبال و نظرگاه او درباره حافظ تغییر کرد و در سروده‌های خود نه تنها هیچ گونه اشاره صریح خرده‌گیرانه‌ای به نام حافظ نیاورد، بلکه در موارد بسیاری از ساختار کلام خواجه و اوزان و قوافی غزلیات او تقلید و پیروی کرد؛ تا آنجا که «قبای رندی حافظ» را برآزد و قامت خود دانست. دکتر مجتبائی در پایان این گفتگو رأی خود را در باب نزاع اقبال با تصوف و شعر حافظ آورده است که بر طبق آن اقبال نه با تصوف در کلیت آن نزاع داشت و نه با تمامی فکر و شعر و شخصیت حافظ؛ بلکه مخالفت او با شعر حافظ برخاسته از ملاحظاتی خاص و برای حفظ و رعایت مصالح جامعه بوده و به گمان خود میخواست است عام مردم مسلمان را از تأثیر پاره‌های از افکار به اصطلاح منفی و منافی سعی و جهد و عمل، دور و بر کنار نگه دارد. از دقت در سروده‌های اقبال تأثیر کلام حافظ به روشنی دیده میشود و در غزلسرای بیش از هر شاعر دیگر از شیو سخن خواجه شیراز پیروی کرده است. پروین لؤلؤی، نویسنده کتاب ارزشمند حافظ، استاد شعر فارسی: کتابشناسی انتقادی

لسان و حافظ» عنوان با، حاضر دفتر نخست مقاله در (Hafiz, Master of Persian Poetry: A Critical Bibliography) عشق در شعر انگلیسی و آمریکایی سده نوزدهم»، به ترجمانی فرزند مروجی، کوشیده است تا از رهگذر شناسایی گرایشهای زبانی مترجمان حافظ چگونگی تأثیر حافظ را در شعر انگلیسی و جنبش شعر رمانتیک بررسی کند. دومین مقاله این پرونده به قلم زهرا محمدی، به موضوع تأثیر شعر حافظ بر ادبیات روس خاصه بر شاعر بزرگ روسیه، الکساندر پوشکین، اختصاص یافته است که نویسنده افزون بر عرضه گزارشی از موضوع مذکور، بررسی مضامین مشترک شعری در آثار حافظ و پوشکین را نیز از نظر دور نداشته است. در سومین مقاله، محمد تقیپور، کوشیده تا با بررسی ترجمه‌های شعر حافظ به آلمانی، به‌ویژه ترجمه پورگشتال از دیوان حافظ، و همچنین آثار پدید آمده بر اساس شعر حافظ در گستره وسیع این زبان به گوشه‌های از تأثیر ادبی حافظ بر شاعران، نویسندگان و فیلسوفان بزرگ آلمان، از جمله گوته، روکرت، پلاتن، داومر، بودنشت، نیچه، و حضور فرهنگی شاعر شیرین سخن شیراز در دنیای آلمانی زبان بپردازد. جز اینها، در این مقاله از سهم و نقش ارباب قلم آلمان در معرفی و شناسایی حافظ به دیگر کشورهای اروپایی نیز سخن رفته است. بنابر گزارشی که در این مقاله آمده آلمانیها با ترجمه کامل دیوان حافظ به آلمانی هم در شناساندن حافظ به اروپا بزرگترین گامها را در میان ملت‌های اروپایی برداشتند و هم با خلق آثاری ملهم از حافظ به ادبیات و فلسفه خود غنا و ژرفایی فوقالعاده بخشیدند. چهارمین مقاله این دفتر، به قلم سمیرا امینیفر، متضمن عرضهداشتی از سابقه آشنایی فرانسویان با شعر حافظ و گزارشی از تأثیر و نفوذ فوقالعاده حافظ در ادبیات فرانسه است. بنا به بررسی‌ای که در این مقاله صورت گرفته است خواننده درمیابد که شاعران و نویسندگان بزرگ فرانسه، همچون ویکتور هوگو، ژان کازلی، تنوفیل گوتیه، آرمان رنو، ترستان کلینگسور، ماتیو دو نوآی، پرنس بی بسکو، و به‌ویژه آندره ژید با الهام از اشعار و اندیشه‌های حافظ به خلق آثاری جاودانه در ادبیات فرانسه توفیق یافتند. اما آخرین مقاله این پرونده، به قلم نگارنده این سطور، نه بر تأثیر شعر و اندیشه خواجه بر فرهنگ جهانی، بلکه، بالعکس، به تأثیر پذیری غیر مستقیم وی از یکی از فراورده‌های مشهور فرهنگ جهان، یعنی اسطوره یونانی - رومی ناریسیس، پرداخته است. آنچه در این مقاله محل بررسی قرار گرفته بازتاب اسطوره ناریسیس در ادب فارسی و به‌ویژه در یکی از ابیات مشهور حافظ (تو مگر بر لب آبی به هوس نشینی/ورنه هر فتنه که بینی همه از خود بینی) است. برای توجیه این مدعا نگارنده به عرضه گزارشی اجمالی از اسطوره ناریسیس و روایت‌های آن در ادبیات یونان اهتمام ورزیده، سابقه حضور فرهنگ یونان و شناختگی پاره‌های مظاهر آن، از جمله داستانها و اساطیر یونانی، در مناطق مختلف ایران در اعصار مختلف را به اجمال بررسی کرده، و پس از آن، با ذکر نمونه‌هایی از شاعران و نویسندگان پارسیگو شناختگی اسطوره ناریسیس در شعر و ادب فارسی را آشکار ساخته است. سرانجام نگارنده نشان داده است که بیت حافظ به واسطه بیتی از سلمان ساوجی (گر

زانکه بدین شاهدهی و شیرینی / در خود نگری به روز من بنشینی / منگر به جمال خویشان و نگری / در آینه هر چه بینی از
خود بینی) با مضمون این اسطوره پیوند یافته است.
نگارنده امید میبندد که این دفتر و نیز برخی دیگر از دفترهای آینده مجله اطلاعات حکمت و معرفت به قدر مقدور سهمی
هر چند اندک در معرفی و شناسایی نقش سترگ حافظ در فرهنگ جهانی، از جمله در ادب و فکر و هنر جهان، داشته باشد.
بیمناست نیست که این گفتار کوتاه را با بیتی از خواجه که مشعر بر رواج و حسن قبول اشعار نغز و دلکش وی حتی در
زمانه و در اقصای دنیای روزگار خود اوست به پایان برسانیم:
حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید
تا حد مصر و چین و به اطراف روم و ری
مسعود فرامش